



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

قرآن کریم، کلام خالق هستی و کتاب هدایت انسان، بر اساس علم نازل شده است: «... أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ ... ؛ بلکه خداوند خود گواهی می‌دهد که آن را با علم خود به سوی تو نازل کرده است» (نساء، ۱۶۶) و عهدنامه‌ی انسان با خدا و کتاب زندگی است؛ لذا تلاوتش، بالاترین ذکر و تدبّر در آیاتش، بالاترین عبادت است. گرچه قرآن مجید، بیان‌گر هر چیزی است: «... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ ... » (نحل، ۸۹). «بیان و توضیح هر چیزی از امور هدایت مردم که به وسیله‌ی آن، حق از باطل تشخیص داده می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۲: ۴۷۰)؛ اما جامعیت قرآن به این معنا نیست که هر شخصی آن را درمی‌یابد؛ بلکه ملاک بهره‌مندی از آن، پاکی می‌باشد: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه، ۷۹) که امامان معصوم (ع)، به عنوان اوصیاء و جان پیامبر (ص): «... وَ أَنْفُسَنَا ... » (آل عمران، ۶۱) همان مطهران‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۲۷) و با اشرافی که بر علوم قرآن دارند («بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ ... ؛ آری، قرآن کتابی جمع‌آوری شده و نگارش یافته نیست؛ بلکه آیاتی روشن و روشن‌گر است که در سینه‌ی کسانی که به آنان دانش عطا شده است، نهفته است» (عنکبوت، ۴۹))، بهتر می‌دانند که خبر اولین و آخرین در قرآن کریم است. امام صادق فرمود: «من از کتاب خدا آگاهی دارم؛ کتابی که آغاز آفرینش و آنچه تا روز رستاخیز به وجود می‌آید و خبر از آسمان‌ها و زمین و بهشت و دوزخ و خبر از گذشته و حال در آن نهفته است. این‌ها را مانند کف دستم می‌شناسم. خداوند می‌فرماید: «تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۶۱)؛ لذا به آداب تلاوت کتاب‌الله نیز آگاهی داشته و بر آغاز و اتمام قرائتش، دعاهایی انشاء نموده‌اند که در کتاب‌های روایی فریقین به وفور آمده است. از جمله روایت شده است امام صادق (ع) هنگامی که قرآن را برای

خواندن به دست راست می‌گرفت، چنین دعا می‌نمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْهَدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنَزَّلُ مِنْ عِنْدِكَ...» که به دعای افتتاح قرآن معروف شده است. با بررسی‌هایی که در منابع مکتوب و الکترونیکی به عمل آمد، شرح مکتوبی بر این دعا یافت نشد، به جز بخشی از سخنرانی سید محمد مهدی میرباقری که در پایگاه اطلاع‌رسانی ایشان و برخی از وب‌گاه‌ها منعکس شده است (میرباقری، ۱۳۹۵). روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای بوده که به روش توصیفی و با استناد به آیات الهی و برخی از روایات، تحلیل شده است.

دعای افتتاح قرآن

بهارِ عمر به مانند بهار فصل‌ها، خارج از اراده‌ی انسان در گذر است، اما بهار زندگی و بیداری زمین دل و شکوفائی درخت وجود آدمی با باران رحمت الهی، بستگی به اراده و تلاش انسان دارد تا سرمایه‌ی عمر و استعدادهای یخ‌زده در زمستان زندگی به بهار رویش تبدیل شود. در بیان امام علی (ع)، تنها راه بهار قلب‌ها، قرآن کریم است (ر.ک: نهج‌البلاغه، ۱۳۹۰، خطبه ۱۷۶). با توجه به جایگاه و عظمت کلام الهی، آدابی برای تلاوت آن بیان شده است، تا قاری قرآن آمادگی قلبی لازم را برای بهره‌مندی از اقیانوس معارف قرآن کریم داشته باشد. از جمله‌ی این آداب، دعاهای قبل از خواندن قرآن کریم است که در منابع روایی شیعه و سنی وارد شده است؛ مانند دعای منقول از رسول خدا (ص) که با این جمله آغاز می‌شود: «اللَّهُمَّ بِالْحَقِّ أَنْزَلْتَهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَلْتُ...» (بونی، ۱۴۲۷: ۱۳۳). این دعا در متون حدیثی متقدم نیامده است و فقط در کتاب شمس المعارف الکبری احمد بن علی بونی، از علمای قرن هفتم هجری نقل شده است. همچنین حماد بن عیسی در حدیثی مرفوع، از امیرالمومنین (ع) روایت کرده که رسول

خدا (ص) دعایی تعلیم فرموده تا قرآن را فراموش نکند، که مضمون دعا با شروع قرآن مناسب است: «اللَّهُمَّ إِرْحَمْنِي بِتَرْكِ مَعَاصِيكَ أَبَدًا مَا أُبْقِنِي ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۷۷). همچنین روایت شده است که حضرت امام صادق (ع) هنگامی که قرآن را برای خواندن به دست می‌گرفت، این گونه دعا می‌نمود. البته این دعا با اندکی تفاوت در ج ۹۸ ص ۵ بحارالانوار نیز آمده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۹۸: ۵).

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنَزَّلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، وَ كَلَامُكَ النَّاطِقُ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ، جَعَلْتَهُ هَادِيًا مِنْكَ إِلَى خَلْقِكَ وَ حَبْلًا مُتَّصِلًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَ كِتَابَكَ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً، وَ قِرَائَتِي فِيهِ فِكْرًا، وَ فِكْرِي فِيهِ اعْتِبَارًا، وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ اتَّعَظَ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَ اجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ، وَ لَا تَطْعُعْ عِنْدَ قِرَائَتِي عَلَى سَمْعِي، وَ لَا تَجْعَلْ عَلَيَّ بَصْرِي غِشَاوَةً، وَ لَا تَجْعَلْ قِرَائَتِي قِرَاءَةً لَا تَدَّبَّرُ فِيهَا، بَلْ اجْعَلْنِي أَتَدَّبَّرُ آيَاتِهِ وَ أَحْكَامَهُ، أَخَذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ، وَ لَا تَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً وَ لَا قِرَائَتِي هَذْرًا، إِنَّكَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲: ۲۰۸).

خدایا شهادت می‌دهم که این کتابی است که از سوی تو بر پیامبرت محمد بن عبدالله (ص) نازل شده و سخن گویای توست که بر زبان پیامبرت جاری گشته است. آن را از سوی خود، راهنمای خلق و دستگیره‌ای میان خود و بندگانت قرار داده‌ای. بارخدایا! من عهدنامه و کتابت را گشودم؛ از این رو نگاهم را در آن، عبادت و تلاوتم را تفکر و اندیشه‌ام را در آن، مایه‌ی عبرت قرار بده و مرا از کسانی گردان که به اندرزه‌های آن پند گرفته و از نافرمانی‌ات برحذر باشد و به هنگام تلاوتم بر گوشم مهر منه و بر چشمم پرده میپوشان و تلاوتی که در آن اندیشه نباشد، قرار مده؛ بلکه مرا آن‌گونه بدار که در آیات و احکامش اندیشیده و احکام آئین تو را به کار بندم و نگاهم را در آن، مایه‌ی غفلت و قرائتم را بیهودگی قرار مده که تو خود مهربان و بخشایشگری.

بحث و بررسی

برخی واژگان و فرازهای این دعا نیاز به تبیین دارد که چنین است:

۱. شهادت دادن: شهادت در لغت «علم به حاضر شدن نزد معلوم است؛ در محسوسات یا معقولات» (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۱۵۷). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان آورده است که شهادت، با چشم خود دیدن و به گوش شنیدن و یا با سایر حواس خود یافتن و حس کردن است؛ اما ادای شهادت، جهت حفظ و اقامه حق است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۳: ۱۱۸). پس وقتی شخص مومن، شهادت می‌دهد: این قرآن، نازل شده از طرف خدا به نبی اسلام (ص) است، یعنی با ادله‌ی عقلی و روش منطقی به اثبات رسیده و بر این حقیقت آگاهی دارد. با در نظر گرفتن اینکه شهادت دادن انشائی است، نه اخباری؛ به خصوص که با توجه به معنی و با اخلاص گفته شود، اثر وضعی و عملی نیز در پی خواهد داشت.

۲. نزول قرآن: نزول «پایین آمدن از مقام عالی است؛ چه مادی یا معنوی؛ بدون نظر به محل نزول؛ اما در هبوط، استقرار در مقام سافل نیز مد نظر است» (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۹۵). نزول، فرستادن و انداختن نیست، بلکه شکل فرودین گرفتن است؛ به نحو «تجلی»، نه تجافی؛ یعنی حقیقتی که نزد خدا بود و الآن هم هست و خواهد بود. از جهان غیب تنزل داده، رقیق شد و به صورت الفاظ درآمد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۹۸). محل نزول قرآن نیز قلب نبی (ص) است: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ...» (شعراء، ۱۹۳ و ۱۹۴) که به خاطر انسان و تعقل او نازل شده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف، ۲).

بنابراین قرآن حقیقتی دارد آسمانی، که برای فهم ما زمینیان شکل فرودین به خود گرفته و پایین آمده است. قاری قرآن نیز به موقع قرائت آیات، با تواضع کامل و به

دور از خودخواهی‌ها و سرابِ خودکامی‌ها از پوسته‌ی دل‌مشغولی‌ها و عادت‌ها پایین آمده، تا همراه با سروش آسمانی ارتقاء یابد.

۳. کلام الهی: بر اساس ادله‌ی درون دینی و به تصریح این دعای شریف، همه‌ی کلمات الهی عین وحی بوده که بر زبان پیامبر (ص) جاری شده است؛ برخلاف ادعای برخی از روشنفکران مسلمان که محتوا را از خدا و الفاظ را از نبی (ص) دانسته‌اند (رک: معرفت، ۱۳۸۷: ۶۳)؛ لذا تفاوت کلام الهی با کلام بشری به مانند فرق بین خدا و انسان است و «فضیلت قرآن بر سایر کلام، همچون برتری خدا بر مخلوقات می‌باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲: ۱۹). در حدیث مروی از امام علی (ع) از رسول خدا (ص) آمده است: «قرائت قرآن از ذکر خدا برتر است» (شعیری، بی تا، ج ۱: ۴۱).

۴. هدایت قرآن: «هدایت» در لغت، «راهنمایی کردن به آرامی و لطافت است» (راغب، ۱۴۰۲ق: ۵۳۸) و در قرآن به معنای «هدایت الهی، دلالت و آشکار کردن و ارشاد است» (سجادی و هادی فر، ۱۳۹۱: ۱۲۶) و «اهتداء»، «هدایت یافتن و قبول هدایت می‌باشد» (قرشی، ۱۳۸۷: ۷: ۱۴۵) که در اصطلاح، عبارت از: «تعیین کمال مناسب یک شیء و راه رسیده به آن است؛ پس هر موجودی که کمال او عین ذاتش نیست، به هدایت نیازمند است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۵). پس هدایت، «رسیدن به نورانیت درونی با تعمیق باور دینی و راه‌یابی به راه انسانیت (فطرت) یا همان صراط مستقیم است» (فتحی، ۱۳۹۳: ۱۱) و قرآن کریم برای هدایت انسان نازل شده است: «... هدی للناس ...» (بقره، ۱۸۵).

متعلقات هدایت قرآن عبارت‌اند از:

۱.۴- رهنمود به استوارترین راه: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ ...» (اسراء،

۶). به راستی این قرآن به آیینی که از همه‌ی آیین‌ها استوارتر و جامع‌تر است، هدایت

می‌کند. «این دین، نگهدارنده‌ی خیر دنیا و آخرت مردم بوده و قائم به اصلاح حال معاش و معاد آن‌هاست؛ چون مطابق فطرت و خلقت کامل انسانی می‌باشد که در راستای رسیدن به هدف سعادت به آن مجهز شده است» (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۱۳: ۴۸).
۲.۴- رهنمود به رشد: «يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ ... به عقاید و اعمال درست رهنمون می‌شود» (جن، ۲).

۳.۴- رهنمود به حق و شاهراه پایدار: «... يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ» (احقاف، ۳۰).

۴.۴- رهنمود به خدا: «... يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ؛ این کتاب، هر کس که به او بازگردد، به سوی خود هدایت می‌کند» (رعد، ۲۷).

۵.۴- رهنمود به راه‌های سالم و خروج از ظلمت‌های زندگی: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ...» (مائده، ۱۶) و قید سلام را «مطلق آورده تا بفهماند که سالم از انواع شقاوت‌هایی است که سعادت دنیا و آخرت مردم را مختل می‌سازند ... و ظلمات را جمع و نور را مفرد آورده؛ یعنی راه حق هر چند به حسب مقامات و مواضع متعدد است، اما در آن اختلاف وجود ندارد؛ بر خلاف باطل» (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۶: ۲۶۳ و ۲۶۴).

۵. حبل الله: «حبل» عبارت است از چیزی ممتد طویل که جهت رسیدن به مقصود یا تحکیم چیزی، به آن چنگ زنند؛ در مادیات یا معنویات «مصطفوی، ۱۳۸۵، ماده حبل). یعنی «حبل استعاره است برای هر چیزی که به وسیله‌ی آن به چیزی دیگر وصل می‌شود» (راغب، ۱۴۱۲ق، ماده حبل). «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا ... و همگی به ریسمان الهی که شما را به خدا پیوند می‌دهد، چنگ زنید و از پراکندگی بپرهیزید» (آل عمران، ۱۰۳). علامه طباطبایی (ره) در تفسیر حبل

الله می‌فرماید: «همان کتاب نازل شده از طرف خداست که واصل بین عبد و رب بوده و آسمان را به زمین متصل می‌کند؛ به بیانی دیگر، همان قرآن و رسول خداست» (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۴: ۴۰۷) که تأویل آیه‌ی شریفه‌ی «... إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلِ مِنَ النَّاسِ» (آل عمران، ۱۱۲) است. بر اساس روایتی از امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، قرآن کریم و علی بن ابی‌طالب (ع) ذکر شده است (رک: بحرانی، ۱۴۲۷ق، ج ۲: ۹۲)؛ یعنی حبل متین الهی برای مردم، کتاب خدا و عترت (ع) می‌باشد.

البته آویختن به حبل الهی، علاوه بر نقش وحدت‌آفرینی و هم‌گرایی جامعه بر محور ولی الهی، نتیجه‌اش هدایت خواهد بود: «... وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آل عمران، ۱۰۱). پس قرآن، کلام الهی و کتاب هدایت به منزله‌ی ریسمانی است که طرفی متصل به خدا و طرفی دیگر متصل به بندگانش هست. این اتصال، کم‌رنگ است. همان طوری که بین ما و خدا فاصله هست، بین ما و کلام خدا نیز فاصله هست که می‌بایست با وصل به قرآن و طی منازل بندگی، همگام با قرآن، مدارج کمال آغاز شود تا فاصله‌ها کم شود؛ چرا که در بیان ضرورت تلاوت مداوم قرآن از امام صادق (ع)، هر آیه به مانند پله‌ای است که درک و دریافت و عملی شدن آن در زندگی، موجب تعالی و ترقی انسان می‌شود: «درجات بهشت به تعداد آیات قرآن است و روز قیامت به قاری قرآن گفته می‌شود که بخوان و بالا برو و او هر آیه که می‌خواند، یک درجه بالا می‌رود» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۶۲۸). لذا رسول خدا (ص) فرمود: «این قرآن، ریسمان خدا و نور روشنگر و درمانی سودبخش است؛ پس بخوانید آن را» (شعبیری، بی‌تا، ۱۱۴، ح ۲۰۰).

۶. عهد الهی: این امر واضح است که انسان با جایگاه خلیفه الهی «... إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره، ۳۰) و بهترین مخلوق خدا بودن («... فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ

الْخَالِقِينَ» (مومنون، ۱۴))، بدون هدف نیامده و سرخود رها نشده است: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى؛ آیا انسان می‌پندارد که او را به حال خود رها کرده‌اند» (قیامت، ۳۶). لذا قبل از حضور در زندگی زمینی، خدا از او پیمان گرفته است؛ یعنی انسان با دو عهد به دنیا آمده است: یکی عهد نخستین و الست که خداوند در عالم ذر از انسان‌ها گرفته و آیهی ذر بر آن ناظر است (اعراف، ۱۷۲) و دیگری عهد در دنیا: «لَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (یس، ۶۰). «پیمانی که از بنی آدم گرفت تا شیطان را با پیروی از وسوسه‌هایش، عبادت و اطاعت نکنند، همان عهدی است که به زبان رسولان خود به بشر ابلاغ نمود. البته عهد ذر، به وجهی، عین عهدی است که در دنیا متوجه بشر کرده است» (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۱۳: ۱۰۶ و ۱۰۷).

به طور کلی عهد الهی شامل همه‌ی پیمان‌های فطری، عقلی و پیمان‌های شرعی می‌شود (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ ج ۱۰، ۱: ۱۸۴) و عهدشکنی فسق است و عهدشکنان، فاسق: «... وَ مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿۱۰﴾ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ...» (بقره، ۲۶ و ۲۷). سوگمندانه اکثر انسان‌ها چنین‌اند: «وَ مَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ؛ اکثرشان به عهد پایبند نبوده و از لوازم آن پیروی نکردند؛ بلکه فاسق بودند» (اعراف، ۱۰۲). لذا امام صادق (ع) فرمود: «قرآن عهدنامه‌ی خدا برای انسان بوده و شایسته‌ی مسلمان است که در پیمان‌نامه‌ی خود نگرسته و روزی پنجاه آیه از آن بخواند» (کلینی، ۱۴۷ق، جلد ۲: ۶۰۹).

۶. نظر به قرآن: قرآن چون کلام قدسی خدا و رهنمود به راه‌های سالم زندگی است، لذا نگاه کردن به آن و «شنیدنش نیز عبادت بوده و موجب ریزش خطاهایی می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹: ۲۰۱). امام صادق (ع) در جواب اینکه قرآن را از

حفظ خواندن بهتر است یا از رو؟ فرمود: «نگاه به مصحف کرده و از روی آن بخوانی؛ مگر نمی‌دانی که نگاه در قرآن، عبادت است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۱۴). چرا که ارتباط با قرآن - حتی نگاه کردن از روی اعتقاد - متضمن اقرار به توحید و رسالت بوده و چون قرآن دارای مراتب است، هیچ قشری از مواجهه با آن - به نسبت درک خود - بی‌بهره نمی‌شود. همچنین آیات کتاب، حقایقی فراتر از الفاظ دارد و قاری با نظر به آن، خود را در محضر خدا و پیامبر (ص) دیده و معنویت حضور را می‌فهمد (رک: اسلام کوئست، ۱۳۹۱).

۷. قرائت با تفکر: قرائت، ضمیمه کردن حروف و کلمات است (راغب، ۱۴۱۲ق، ماده قرء). لذا «قرائت کتاب، شامل تلفظ کلمات و مطالعه‌ی آیات نیز می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲۰: ۷۴۶). رسول خدا (ص) فرمود: «بر تو باد به خواندن قرآن، ... چون مؤمنی که قرآن بخواند، خدا بر او نظر رحمت می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲: ۱۸) و تفکر از ماده‌ی «فکر» به معنی اندیشه و در امری دقیق و باریک شدن است (شریعتمداری، ۱۳۸۴، ماده فکر). بی‌شک، با توجه به اختلاف در استعداد انسان‌ها و مراتب آیات الهی، استفاده از محضر قرآن نیز دارای مراتبی است که تفکر، اولین قدم در این مسیر می‌باشد (رک: فتاحی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۷). قرآن کریم، پذیرش هر مطلبی، حتی خود کتاب‌الله را بدون تفکر، مردود می‌شمارد؛ لذا انسان‌ها را دعوت به تفکر با مراتب مختلف آن نموده و از این رو، مخالفین را دعوت به تحدی کرده است (بقره، ۲۳ و ۲۴). امام علی (ع) فرمود: «با خواندن قرآن، دل‌های سخت‌شده‌ی خود را بکوبید و نباید توجه‌تان به اتمام سوره باشد» (حر عاملی، ۱۴۰۱ق، ج ۴: ۸۵۶). پس نگاه کردن و قرائت قرآن، گرچه عبادت بوده و ثواب دارد، اما از باب مقدمه فهم و معرفت و عمل است، چون کتاب زندگی انسان است.

۸. موعظه‌ی قرآن: «"وعظ" به معنای اندرز و یادآوری سخنی است که با خیر همراه باشد و موجب رقت و نرمی دل شده و در مخاطب اثر بگذارد و او را از بدی‌ها بترسانیده و قلبش را متوجه نیکی‌ها کند» (دانشنامه اسلامی، ۲۰۱۹، مدخل، موعظه (اسامی و اوصاف قرآن). بر اساس شمارش معجم المفهرس (عبدالباقی، ۱۳۸۷). ماده‌ی "وعظ" با مشتقاتش، ۲۶ بار در قرآن آمده که بیشتر ناظر بر کلام الهی و گاهی در وصف قرآن است: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (آل عمران، ۱۳۸) و «... وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ؛ و در این سوره آنچه سراسر حق است برای تو آمده و در آن برای مؤمنان پند و تذکری است» (هود، ۱۲۰).

با توجه به کشش معنوی - مادی و قدرت انتخاب خیر و شر در آدمی همراه با مسئله‌ی الهام یا وسوسه، تأثیر سخن خوب و بد و حق شنوی انسان، واقعیتی بدیهی می‌باشد، به خصوص که کلام خدای متعال باشد؛ چرا که کتاب آسمانی، همان فطرت مکتوب است؛ یعنی پیام‌ها، گزاره‌ها و آیاتش منطبق بر سرشت سالم انسان است؛ لذا کلمات خداوند سبحان، پند و تذکری برای مومنان است، مگر بر کسانی که قساوت قلب داشته باشند: «... فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ...» (زمر، ۲۲) و بر چشم و گوش و دلشان مهر زده شده باشد (بقره، ۷).

۹. اجتناب از معاصی: اصل معنای «عصی» عدم تبعیت است، به دلالت: «... فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (ابراهیم، ۳۶) که «عصیان در مقابل "اتباع" قرار گرفته است» (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۱۹۲) و معصیت، موجب گمراهی است: «... وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (احزاب، ۳۶). بدیهی است روی دیگر هدایت‌خواهی، گمراهی می‌باشد، در حالی که انسان نیاز به رهنمایی دارد.

۱۰. وَلَا تَطْبَعُ عِنْدَ قِرَاءَتِي عَلَى سَمْعِي وَلَا تَجْعَلْ عَلَى بَصَرِي غِشَاوَةً: هنگام قرائت آن بر گوشم مهر مزن و بر چشمم پرده قرار مده.

در این جمله از دعا، ارتباطی که بین قرائت و «شنیدن» و «دیدن» وجود دارد، این است که قرائت قرآن برای فهم مطلب است؛ لذا وقتی خوانده می‌شود گویا قاری، شنونده و بیننده نیز هست. چون گوش و چشم ابزارهای ادراکی می‌باشند. پس «اگر می‌خواهید با خدا سخن بگویید، پس قرآن بخوانید» (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ۵۱۰). ولی قلبی که مرکز فهم بوده و مهر خورده و بسته شده است، گویا گوش نمی‌شنود و چشم نمی‌بیند. «... إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا؛ ما بر دل‌های آنان چندین پوشش گذاشته‌ایم تا حقیقت را به اندیشه خود درنیابند و در گوش‌هایشان سنگینی نهاده‌ایم تا سخن حق را چنان که باید، نشنوند» (کهف، ۵۷). «... وَ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً؛ خدا بر دل‌ها و گوش‌هایشان مهر زده است و بر دیدگان‌شان پرده‌ای است» (بقره، ۷). «... وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً...» (جاثیه، ۲۳). در هر دو آیه‌ی اخیر، مهر خوردن بر قلب و گوش بوده و پرده بر چشم‌ها نسبت داده شده است. البته بسته شدن گوش و چشم‌ها، نتیجه‌ی کيفر و اثر وضعی خطاهای قلبی انسان است. «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج، ۴۶). در این آیه‌ی شریفه نیز قوه‌ی ادراکی، قلب بوده و شنیدن گوش‌ها و چشم‌ها نتیجه‌ی کوردلی معرفی شده است. از امام سجاد (ع) روایت شده که فرمود: «انسان، چهار چشم دارد؛ با دو چشمش کارهای دنیا و دین خود را می‌بیند و با دو چشم دیگرش به کار آخرت نظر می‌کند. چون خداوند به بنده‌ای اراده‌ی خیری کند، دو چشم دلش را می‌گشاید که با آن، غیب و کار

آخرتش را ببیند و گرنه دل را به همان حال اولیهی خود وا می‌گذارد» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۴۰).

بدین جهت است که برای فهم قرآن، باید با التاء سمع، گوش‌ی شنوا داشت: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ؛ همانا در این حقایقی که - از روز رستاخیز و سرگذشت امت‌های گذشته - برشمردیم، برای کسی که دلی اندیشمند دارد یا کسی که به سخن حق گوش فرا می‌دهد و در این فضا حضور دارد، تذکر و عبرتی است» (ق، ۳۷). در این جملات از دعا، اشاره‌ای است به این مقامات و مراحل؛ یعنی علاوه بر امکان چنین حالاتی ایجاد انگیزشی نیز هست برای تحقق این مقامات؛ به ویژه اگر این جملات زبان حال قاری باشد.

۱.۱ مراتب شنیدن سروش الهی

بی‌شک دیدن و شنیدن، دارای مراتبی در ابعاد وجودی انسان است؛ اولی، جسمانی که دیدن و درک صدای مادی با ابزار چشم و گوش می‌باشد. دومی، نفسانی؛ یعنی «مشاهده و شنیدن برزخی - و نیز در عالم برزخ - که با اعضاء لطیف برزخی صورت می‌گیرد. گرچه دیدن و درک صدای مادی نیز، توسط روان دو گوش است: یکی را روح ایمان، دعوت به خیر می‌کند و دیگری را شیطان نجوای شر می‌کند. پس هر آدمی (نفس) انجام می‌گیرد» (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۲۵۴). امام صادق (ع) فرمود: «همانا برای دل یک بر دیگری پیروز شود، او را مغلوب خود می‌کند» (حر عاملی، ۱۴۰۱، ج ۲۰: ۳۱۳). سومی عقلی، «که توسط روح مجرد و بدون واسطه انجام می‌گیرد» (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۲۵۴).

برای خواندن و شنیدن سخن خدا مراتبی را می‌توان در نظر گرفت که از آن جمله است:

۱۱-۱. خواندن و شنیدن سخن خدا (قرائت و إسماع):

در اولین مرحله، قرائت قرآن، موجب آگاهی از دستورات الهی می‌شود؛ چون خواندن قرآن نیز به منزله‌ی شنیدن است. لذا در بیان پیامبر خدا (ص) «قاری قرآن و شنونده، پاداش یکسان دارند» (کوفی، ۱۳۷۵، ۲۸۷)؛ با این تفاوت که «خداوند، از شنونده قرآن، بلای دنیا را دور می‌کند و از قاری قرآن، بلای آخرت را» (محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمه، ج ۹: ۳۶۲). البته بر مبنای فرق بین شنیدن، - هر چند اختیاری باشد - و گوش دادن (رک: نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶: ۶۶)، چون «سماع، شنیدن است؛ اما استماع به معنی رفتن است؛ و استماع از سماع بالاتر است» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۷).

۱۱-۲. بسته نشدن گوش و استماع پیام الهی:

اگر گوش دل بیمار و کر بود، انتظار شنیدن، یعنی تأثیر سخن وجود ندارد؛ چرا که: «إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدَّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ؛ آنان مردگانند و تو نمی‌توانی سخن خود را به مردگان - کران - بشنوانی و هدایت کنی؛ به ویژه آن گاه که از تو روی تابیده و پشت می‌کنند» (نمل، ۸۰). اما اگر دل زنده بود، شنیدن (یعنی دقت و توجه عمیق به بیان الهی) و خود را در محضر پیام خدا دیدن و در معرض ندایش قرار دادن و تأثیر پذیری از آن که به منزله‌ی شنیدن قرآن از زبان پیامبر (ص) می‌باشد و جمله‌ی «كَلَامُكَ النَّاطِقُ عَلَىٰ لِسَانِ نَبِيِّكَ» از این دعا، ممکن است اشاره به این مرحله باشد.

گوش سپردن به کلام الهی نیز سبب رحمت می‌باشد: «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ انصتوا لعلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ و هنگامی که قرآن خوانده می‌شود، به آن گوش داده و سکوت کنید تا شاید مورد رحمت قرار گیرید» (اعراف، ۲۰۴). چون در تبیین حضرت

صادق (ع) «ساکت شدن در نماز و غیر نماز، به هنگام شنیدن قرآن، واجب است و هنگامی که نزد تو قرآن خوانده شود، سکوت و گوش فرا دادن لازم است» (بحرانی، ۱۴۲۷ق، جلد ۳: ۲۶۰) و در تعبیر رسای خطبه‌ی فدکیه‌ی حضرت زهراء (س): «برای خداوند در بین شما عهدی (کتابی) است که برای شما تقدیم کرده است و جانشینی که حاکم بر شما قرار داده است... همواره همگان را به گوش دادن آن فرا می‌خواند ... و تبعیتش (با دقت گوش کردنش) سبب نجات می‌شود» (صدوق، ۱۴۰۸ق، ج ۱، باب ۱۸۲: ۲۸۹). البته در فرق بین خاموشی و سکوت نیز گفته شده است که «سکوت در مقابل نطق است؛ اما خاموشی در مقابل سخن گفتن است» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۷).

۳-۱۱. باز شدن گوش جان و بی‌قراری دل:

باز شدن گوش جان و بی‌قراری دل، به معنی شنیدن ندای الهی با تمامی وجود همراه با متأثر شدن ظاهر و باطن انسان است: «خدا قرآن را که بهترین سخن است، فرو فرستاده است؛ کتابی که بخش‌هایی از آن شبیه یکدیگر بوده و در معنی به یکدیگر باز می‌گردند (برخی، برخی دیگر را تفسیر می‌کند). کتابی که با شنیدن آیات آن، پوست کسانی که از پروردگارشان می‌هراسند، بر اندامشان جمع می‌شود؛ سپس پوست و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد و بدان آرامش می‌یابد...» (زمر، ۲۳). **أَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ** (انفال، ۲). «"و جلّت"؛ بی‌قراری دل از عظمت و شکوه جلال الهی است» (فیض کاشانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۶۳۸).

علامه طباطبایی (ره) در ارتباط قرآن و فرشتگان، در تفسیر آیات آغازین سوره‌ی صافات می‌فرماید: «احتمال دارد مقصود از هر سه طایفه‌ی «صافات» و «زاجرات» و

«تالیات»، سه دسته از ملائکه نازل‌کننده‌ی وحی باشند که مأمور امنیت راه وحی و دفع شیطان‌ها از مداخله بوده و آن را به پیغمبران و یا خصوص پیامبر اسلام (ص) می‌رساندند» (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۲۰: ۱۲۶). بنابر این «فرشتگان مأمور وحی سه دسته‌اند: دسته‌ی نخست برای رساندن وحی صف کشیده‌اند: «فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ بِأَيْدِي سَفَرَةِ كِرَامٍ بَرَرَةٍ» (عبس: ۱۳ تا ۱۶). دسته‌ی دوم نگهبانان وحی هستند که آیه‌ی «فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا» (صافات، ۲) به آنان اشاره دارد. دسته سوم، وحی را بر پیامبر (ص) می‌خوانند: «فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا» (صافات، ۳) و جبرئیل سر دسته‌ی فرشتگان وحی است: «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ مُّطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ» (تکویر: ۱۹ تا ۲۱) (رک: کریمی، ۱۳۸۴: ۱۱).

این مرحله از قرائت، در حد شنیدن قرآن از فرشتگان وحی یا دیگر فرشتگان حاضر در مجلس قرآن می‌باشد. از امام علی (ع) روایت شده که فرمود: «منزلی که در آن، قرائت قرآن و ذکر خدای متعال باشد، برکتش زیاد و فرشتگان به آن خانه رفت و آمد کرده و شیاطین از آن دور می‌شوند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۱۰). علاوه بر فرشتگان محافظ انسان: «... يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» (رعد، ۱۱) و حافظان و کاتبان اعمال: «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ» (انفطار، ۱۰ و ۱۱) و حضور و احاطه‌ی فرشتگانی دیگر بر نمازگزاران (رک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۳۶۵) و ملائکه‌ای که با قرائت آیه‌ی قرآن از انسان محافظت می‌کنند (رک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲: ۲۵۸)، فرشتگانی از حاملان قرآن با تالیان قرآن همراهی می‌کنند: «جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ» (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۱۹). همچنین بر اساس روایت امام علی (ع)، قاری قرآن در درجات نبوت قرار گرفته جز آنکه به او وحی نمی‌شود: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَكَانَ مَا اسْتَدْرَجَتْ النَّبِيُّ بَيْنَ جَنَبَيْهِ، غَيْرَ أَنَّهُ لَا يُوحَى إِلَيْهِ» (بروجردی، ۱۴۱۵ق،

ج ۱۵: ۱۷)؛ یعنی به مقاماتی می‌رسد که کمترینش دیدنی‌ها و شنیدنی‌هاست. بعضی از حکما گفته‌اند که: «قرآن را می‌خواندم به گونه‌ای که گویا از پیغمبر می‌شنوم که بر اصحابش می‌خواند و بعد از آن به مرتبه‌ی بالاتر ترقی کردم که گویا از جبرئیل می‌شنوم که به پیامبر (ص) القا می‌نماید و بعد از آن خدای متعال لطف نموده به مرتبه‌ی بالاتر که از متکلم آن می‌شنوم و در این هنگام، لذتی و عیشی می‌یابم که صبر از آن نتوان کرد» (فیض کاشانی، ۱۳۸۷ش، ۴۹۸).

۴-۱۱. شنیدن از خدا:

این مرحله از قرائت قرآن، ویژه‌ی اولیاء الهی و مقربان است: «... یَتْلُونَ آيَاتِ اللّهِ اَنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ» (آل عمران، ۱۱۳)؛ یعنی شب‌زنده‌دارانی که «قیام بحق نموده و دین اسلام را از روی حقیقت قبول کردند و در ساعاتی از شب، آیات خدا را تلاوت نموده و سجده می‌کردند» (طیب، ۱۳۹۳، ج ۵). چنانچه روایت شده است: «حضرت امام صادق (ع) در حین نماز حالت خاصی به ایشان دست داده و مدهوش شدند. وقتی به هوش آمدند، از علت آن حالت سوال شد، فرمودند: «آیاتی از قرآن را تکرار می‌کردم، تا اینکه گویا آن را از صاحب کلام شنیدم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۴: ۲۴۷).

۴-۱۲. مراتب دیدن در قرائت کلام الله:

«و بر چشمم پرده قرار مده» یعنی بین قاری و دیدنی‌های قرآن پرده‌ای است، پس اصل بر دیدن است و پرده‌ها از خود انسان و اعمال اوست که عارض می‌شود و پرده‌ها، ظلمات درونی و خصلت‌های منفی است که به برکت قرائت قرآن امکان دارد پرده‌ها کنار رفته و علاوه بر صداها، دیدنی‌های ملکوتی جلوه‌گر شود؛ چنانچه رسول خدا (ص) فرمود: «لَوْلَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَى مَلَكَوْتِ

شرح فقراتی از دعای افتتاح قرآن با قرآن با تأکید بر مراتب ... / امین فتحی ۲۷۱

السَّمَاءِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۲۵)؛ یعنی شیطان‌ها با چرخیدن گرد دل‌های آدمیان و با ایجاد غبار و تاریکی نمی‌گذارند بنی‌آدم با چشم دل، ملکوت آسمان را مشاهده کند؛ لذا دیدن حقایق اشیاء و ملائکه، تمنای اهل نجوا و آرزوی عارفان است که گفته می‌شود: خدایا، اشیاء را آن طور که هست به ما نشان بده. «اللَّهُمَّ ارِنَا الْأَشْيَاءَ كَمَا هِيَ» (قمی، ۱۳۷۸: ۲۵۹). گرچه برخی از مواقع خود انسان متوجه نیست، مانند آن مؤمن تائب خائفی که پیامبر اسلام (ص) درباره‌اش فرمود: «بدان که درهای آسمان برای تو گشوده شد و خداوند متعال به وجود تو بر فرشتگانش افتخارکرد» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۶۸). اما قرآنی که دست بشر است، صورت زمینی حقیقتی نورانی است که برای انسان و در حد فهم او در پرده قرار گرفته و نازل شده است. در صورتی که در واقع امر، خدای متعال برای بندگان در قرآن مجید تجلی نموده است، اما مردم نمی‌بینند «لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِخَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لَكِنْ لَا يُبْصِرُونَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹: ۱۰۷) که با چشم‌پوشی از خطاها و نادیدنی‌ها، امر دیدن آسان می‌شود: «غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱: ۴۱).

۱۲-۱. دیدن بصری و نگاه به قرآن: *انسانی و مطالعات قرآنی*

دیدن بصری و نگاه به قرآن «عبادت محسوب می‌شود» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۰۵)، چون با نگاه به مصحف شریف، رابطه و عشقی ایجاد می‌شود. البته نگاه به مصادیقی که در این گونه روایات ذکر شده است، «در بعضی موارد، جنبه‌ی عبادی دارد (مانند قرآن و کعبه)، گاه عاطفی (نظر به والدین و سادات) و گاه علمی (نظر به عالم)» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹).

۱۲-۲. نگاه بصیرتی:

نگاه بصیرتی همانند بیان حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در مسیر کربلا که فرمودند: «آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی شود؟» «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ، وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ج: ۱؛ ۲۴۵)؛ مقصود، نگاه صرف نبوده، بلکه داشتن بصیرت و قدرت درک حقایق و تشخیص خوبی از بدی و حق از باطل در جامعه می باشد (رک: فتحی، ۱۳۹۵). لذا «کور، کسی نیست که نابینا باشد، بلکه شخصی است که بصیرت نداشته باشد» (بحرانی، ۱۴۲۷ق، ج: ۵؛ ۳۰۵)؛ چنانچه قرآن کریم بیان داشته اند: «... وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا ... ؛ دیدگانی دارند که به آن‌ها - آیات حق را - نمی بینند» (اعراف، ۱۷۹).

۱۲-۳. چشم بصیرت:

چشم بصیرت یعنی غفلت نداشتن و باز شدن دیده‌ی باطن و مشاهده‌ی فرشتگان و حقایق اشیاء و جلوه‌های اسماء الهی. چنانچه گذشت «منزلی که در آن، قرائت قرآن و ذکر خدای متعال باشد، برکتش زیاد می شود و فرشتگان به آن خانه رفت و آمد کرده و شیاطین از آن دور می شوند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۲؛ ۶۱۰). از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمود: «لَوْ لَا تَكَثِيرٌ فِي كَلَامِكُمْ وَ تَمْرِيحٌ فِي قُلُوبِكُمْ لَرَأَيْتُمْ مَا أَرَى وَ لَسَمَعْتُمْ مَا أَسْمَعُ» (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج: ۵؛ ۲۹۲). اگر زیاده روی در سخن گفتن‌ها و هرزه چرانی در دل‌هایتان نبود، البته هر چه می بینم، شما هم می دیدید و هر چه می شنوم، می شنیدید؛ زیرا اگر با عنایات خدای متعال «پرده‌ی چشم برداشته شود، انسان نور قرآن و باطن و ملکوت قرآن را می بیند؛ ملکوت قرآن، سراسر جنت و نعمت‌ها و مقامات بهستی و توحیدی است» (میرباقری، ۱۴۰۰). چون درجات بهشت

به اندازه‌ی آیات قرآن است که در بیان حضرت صادق (ع) آمده است: «عَلَيْكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لِقَارِي الْقُرْآنِ اقْرَأْ وَارْقُ فَكُلَّمَا قَرَأَ آيَةً رَفِيَ دَرَجَةً» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸: ۱۸۶).

۴-۱۲. خدا را دیدن:

همان طوری که در مراتب قبلی گذشت، «خدای متعال در کتاب خود بر بندگانش تجلی کرده، بی‌آنکه او را ببینند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹: ۱۰۷) اما خداوند قابل دیدن نیست؛ بلکه مقصود، خود را در محضر خدای واحد دیدن و حضور و ظهور او را با حقایق ایمان درک کردن است: «لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهَدَةِ الْعِيَانِ، وَ لَكِنْ تُدْرِكُهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، خ ۱۷۹) و یا مقصود، رسیدن به مقام تسلیم و قربی است که همه‌ی افعال و دیدن انسان، به مانند دیدن خداست؛ همچنان که در حدیث قدسی قرب نوافل می‌فرماید: «... و چون دوستش بدارم، گوش شنوای او می‌شوم و چشم بینای او و زبان گویای او...» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۲۹۸).

۴-۱۳. تدبر در قرآن:

در این دعا می‌خوانیم: «قرائتم را، قرائتی که در آن تدبر نباشد، قرار مده». تدبر، کار قلب است: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد، ۲۴). در این آیه‌ی شریفه، ضمن اینکه تدبر را به قلب نسبت داده، به قفل‌های قلب نیز اشاره نموده است. تدبر در لغت از «دبر»، «به معنی پشت است و توجه به غایات، نتایج و علل امری را در لغت عرب «تدبر» می‌گویند» (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶ و ۴۹). با توجه بر اینکه «تدبر»، مطاوعه‌ی باب تفعیل است و خداوند متعال تدبیرهایی در سوره‌های قرآن ارائه نموده است، لذا از مردم می‌خواهد که تدبیرهای خدا را دریافت کرده و

پذیرا باشند (ر.ک: فتحی، ۱۳۹۷). بنابراین تعریف مرحوم مظلومی، شایسته‌ی دقت و توجه است که می‌نویسند: «تدبیر عبارت است از پیگیری آیات، با تأمل در آنها برای پیدا کردن راه و پیاده نمودن طرح حکم خدا بر جان و زندگی و رفتار خویش» (مظلومی، ۱۳۶۱: ۲۲).

بر اساس روایت متواتر از امام علی (ع)، امام حسین (ع) و امام صادق (ع) کتاب خدا بر چهار چیز بنا شده است: عبارت، اشارت، لطائف و حقایق (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹: ۱۰۳). مراتب تدبیر را نیز چهار مرحله می‌توان در نظر گرفت: تدبیر در عبارات آیات که برای عموم مردم است و تدبیر در اشارات که ویژه خواص است و تدبیر در لطائف قرآن که برای اولیاست و تدبیر در حقایق آیات که ویژه‌ی پیامبران است.

۱۴. آگاهی از شرایع دینی:

عبارت «آخِذْ بِشَرَائِعِ دِينِكَ»، دلالت دارد بر اینکه قرائت قرآن موجب آشنایی با شریعت خدا می‌شود. «شرع» در لغت به معنی راه روشن و فراخ است که به مسیر آب رودخانه نیز تشبیه شده (راغب، ۱۴۰۴ق: ۲۵۸) و از آنجایی که قوانین الهی یعنی احکام شرعی مانند آب و مسیر رودخانه است، به عنوان تشبیه و استعاره، آن را شریعت نامیده‌اند؛ چرا که هر دو ساده و روان بوده و به آسانی قابل استفاده‌اند و هر دو مایه‌ی حیات انسان‌اند (انفال، ۲۴). همچنین هر دو پاک‌کننده و ازبین‌برنده‌ی پلیدی‌ها و پلشتی‌ها هستند (احزاب، ۳۳). همان‌طور که خداوند، آب دریا را به صورت ابر به سوی کوهساران می‌فرستد و آن را در نهرها جاری می‌سازد، احکام حیات‌بخش خود را به صورت شریعت، توسط پیامبران به سوی سرزمین‌ها و ملت‌ها می‌فرستد (ر.ک: بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۱).

نتیجه گیری

قرآن کریم، عهدنامه‌ی انسان با خدا و کتاب زندگی است که خالق هستی آن را با علم خود به سوی پیامبر اسلام (ص) نازل کرده است. گرچه قرآن مجید بیان‌گر هرچیزی است، اما جامعیت آن را فقط مطهران، با اِشرافی که بر علوم قرآن دارند، می‌یابند؛ لذا به آداب تلاوت کتاب‌الله نیز آگاهی داشته و بر آغاز و اتمام قرائتش، دعاهایی انشاء نموده‌اند تا قاری قرآن، آمادگی قلبی لازم را برای بهره‌مندی داشته باشد؛ مانند دعای افتتاح قرآن که از حضرت امام صادق (ع) وارد شده و به قرائت همراه با تفکر و تدبیر در آن دعوت نموده است و از خواندن صرف و اتمام سوره‌ها همراه با غفلت، پرهیز داده است تا انسان آگاهانه و با مسئولیت‌پذیری بالا و با وظایف و رسالت انسانی خود بر اساس کتاب الهی (یعنی عهد خود با خدا)، آشنا شده و جامعه‌ی عمل بر بندد. در این دعا، همچنین قاری با شهادت دادن - و نه خبر دادن - به اینکه کلمات الهی عین وحی بوده که بر زبان پیامبر (ص) جاری شده است، نه کلام نبی (ص)، از اثرات وضعی و عملی شهادت دادن نیز بهره‌مند می‌شود؛ سپس با اذعان به نقش بیدارگری آیات، به مراتب دیدن و شنیدن بر اساس ابعاد وجودی انسان، یعنی جسمانی، نفسانی و عقلانی آشنا می‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم

ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۹۷). تفاوت سماع و استماع، تبیان. -

<https://article.tebyan.net/453570>

۲۷۶ دوفصلنامه تفسیرپژوهی - سال دهم، جلد دوم، شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

اخوت، احمد رضا، و قاسمی، مریم (۱۳۸۹). تدبیر چپستی چرایی و چگونگی، قم: کتاب فردا. اسلام کوئست (۱۳۹۱). فایده‌ی نگاه کردن قرآن برای افراد کم‌سواد و بی‌سواد، کد بایگانی ۴۹۷۴.

<https://www.islamquest.net>-

برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیه.

بروجردی، سید حسین (۱۴۱۵ق). جامع احادیث الشیعہ، قم: چاپ صحف.

بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۶۳). رساله‌ی نوین، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). هدایت در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.

_____ (۱۳۸۳). هدایت در قرآن، قم: اسراء.

حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول، قم: نشر الاسلامی لجماعه المدرسین.

حر عاملی، محمد (۱۴۰۱). وسایل الشیعہ، تهران: اسلامیه.

دانشنامه‌ی اسلامی (۲۰۱۹). موعظه (اسامی و اوصاف قرآن). - <https://wiki.ahlolbait.com>

دیلمی، حسن (۱۴۰۸ق). أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل‌البیته (ع) لإحياء التراث.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴). بی‌جا: دفتر نشر کتاب.

سجادی، سید ابوالفضل، و هادی‌فر، فریبا (۱۳۹۱). معناشناسی واژه‌ی هدی در قرآن کریم، حسنا، (۱۲).

شریعت‌مداری، جعفر (۱۳۸۴). شرح و تفسیر لغات قرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

شعیری، محمد (بی‌تا). جامع‌الخبار، نجف: مطبعه حیدریه.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

_____ (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۶). المیزان، ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دار‌العلم.

_____ (۱۳۹۴ق). المیزان، طهران: دارالکتب الاسلامیه.

طیب، عبدالحسین (۱۳۹۳). تفسیر اطیب البیان، تهران: سبطين.

عبدالباقی، محمدفؤاد (بی‌تا). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، تهران: اسلامی.

فتحی، امین (۱۳۹۳). بازشناسی مفهوم هدایت در قرآن، مطالعات قرآنی، (۱۹).

شرح فقراتی از دعای افتتاح قرآن با قرآن با تأکید بر مراتب ... / امین فتحی ۲۷۷

_____ (۱۳۹۷). مراتب بهره‌مندی از قرآن بر اساس مراحل درک و فهم آیات الهی، تفسیر پژوهی، (۱۰).

_____ (۱۳۹۵). مشارکت شیطان در اموال و اولاد (جستاری در موانع سه سرمایه انسانی

در جامعه)، اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت.

فیض کاشانی، محسن (۱۳۶۲). الصافی فی تفسیر القرآن، تهران: مکتبه الاسلامیه.

_____ (۱۳۸۷). حقائق، تهران: مدرسه‌ی عالی شهید مطهری.

قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۸۷). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کریمی، مصطفی (۱۳۸۴). نقش فرشته و پیامبر در وحی از نگاه قرآن و روایات، معرفت

(موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره))، (۹۶).

کوفی، محمد (۱۳۷۵). الجعفریات، ضمیمه قرب الاسناد، تهران: کوشان‌پور.

متقی هندی، علی (۱۴۰۱ق). کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت: مؤسسة الرساله.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.

محمدی ری‌شهری (۱۳۹۱). شناخت‌نامه‌ی قرآن بر پایه‌ی قرآن و حدیث، ج ۳، قم: دارالحدیث.

مظلومی، رجبعلی (۱۳۶۱). پژوهشی پیرامون آخرین کتاب آسمانی، تهران: نشر کوکب.

معرفت، محمدهادی (۱۳۸۷). تلخیص التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه التمهید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). درس خارج کتاب الحج، مدرسه‌ی فقاهاست. -

<https://eshia.ir/feqh/archive/text/makarem/feqh/89/891211>

میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۵). آداب انس با قرآن و بررسی اذن دخول در معارف قرآن

(جلسه سوم). - <https://mirbaqeri.ir/articles>

نراقی، احمد (۱۴۱۵ق). مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.

Bibliography

Holy Quran

Ebrahimi Dinani, Gholamhossein (2017). The difference between hearing and listening, Tebyan. - <https://article.tebyan.net/453570>. [In persian].

- Akhot, Ahmad Reza, and Ghasemi, Maryam (1389). Thinking about what is why and how, Qom: Kitab Farda. [In persian].
- Islam Quest(2013). The benefits of looking at the Quran for illiterate and illiterate people, archive code 4974. - <https://www.islamquest.net>. [In persian].
- Barqi, Ahmad bin Muhammad(1371 A.H). Al-Mahasen, Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic].
- Boroujerdi, Seyyed Hossein(1415 A.H). Jame Ahadith al-Shia, Qom: Saaf Printing. [In Arabic].
- Beizar Shirazi, Abdul Karim(1363). Risaleh Novin, Volume 1, Tehran: Farhang Islami Publishing House. [In persian].
- Javadi Amoli, Abdullah(1389). Guidance in the Qur'an, Qom: Isra Publishing Center. [In persian].
- Javadi Amoli, Abdullah(1383). Hedayat Qur'an, Qom: Israa. [In persian].
- Harrani, Hasan bin Ali(1404 A.H). Tohf al-Aqool, Qom: Nashr al-Islami for Jama'ah al-Madrasin. [In Arabic].
- Hore Ameli, Mohammad(1410 A.H). Vasael O-Shieh, Tehran: Islamiyeh. [In Arabic].
- Islamic Encyclopedia(2019). Sermon (names and attributes of the Quran). - <https://wiki.ahlolbait.com> . [In persian].
- Daylami, Hassan(1408 A.H). Aalam al-Din fi Sifat al-Mu'minin, Qom: Al-Bayt (AS) Foundation for Revival of Tradition. [In Arabic].
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad(1404 A.H). Neshar al-Katab office. [In persian].
- Sajjadi, Seyyed Abulfazl, and Hadi Far, Fariba(2013). Semantics of the word "Hadi" in the Holy Quran, Hasna, (12). [In persian].
- Shariatmadari, Jafar(1384). Explanation and Interpretation of Quranic words, Mashhad: Islamic Research Foundation. [In persian].
- Shayiri, Mohammad(nd). Jame Al-Akhbar, Najaf: Haidariyeh Press. [In Arabic].
- Sadouq, Muhammad bin Ali(1413 AH). Man la Yahdara al-Faqih, Qom: Islamic Publication Office. [In Arabic].
- Sadouq, Muhammad bin Ali(1362). Al-Khasal, Qom: Islamic Publication Office. [In Arabic].
- Tabatabai, MohammadHossein(1376). Al-Mizan, Transhation by Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, Qom: Dar o-Al Elm. [In Arabic].
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein(1394 A.H). Al-Mizan, Tehran: Darul-e-Kitab al-Islamiya.
- Tayeb, Abdul Hossein(2013). Tafsir Atyeb al-Bayan, Tehran: Sabtain. [In Arabic].
- Abdul Baqi, Mohammad Fawad(nd). Al-Ma'jam Al-Mufars Lalfaz Al-Qur'an Al-Karim, Tehran: Islamic. [In Arabic].
- Fathi, Amin(2013). Recognizing the Concept of Guidance in the Qur'an, Qur'anic Studies, (19). [In persian].

- Fathi, Amin(2017). levels of benefit from the Quran based on the stages of understanding the divine verses, Research commentary (Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz), (10). [In persian].
- Faiz Kashani, Mohsen(1362). Al-Safi fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Maktabeh al-Islamiya. [In Arabic].
- Faiz Kashani, Mohsen(1387). Facts, Tehran: Shahid Motahari High School. [In persian].
- Qureshi, Seyyed Ali Akbar(1387). Quran Dictionary, Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. [In persian].
- Karimi, Mustafa(1384). The role of the angel and the prophet in revelation from the perspective of the Qur'an and narrations, Marafat (Imam Khomeini Research Institute, Qom), (96). [In persian].
- Kufi, Mohammad(1375). Al-Jaafariat, Tehran: Kushanpour. [In Arabic].
- Motaghi Handi, Ali(1401 AH). Kunz al-Umal fi Sunan al-Aqwal al-Aqeel, Beirut: Al-Rasalah Est. [In Arabic].
- Majlesi, MohammadBagher(1403 A.H). Bihar al-Anwar, Vol. 92, p. 208. Vol. 98, p. 5, Beirut: Al-Wafa Foundation. [In Arabic].
- Mohammadi Ray Shahri(1391). Knowledge of the Qur'an based on the Qur'an and Hadith, Volume 3, Qom: Dar al-Hadith. [In persian].
- Mazlumi, RajabAli(1361). A research about the last heavenly book, Tehran: Kakab Publishing House. [In persian].
- Marfat, Mohammad Hadi(1387). Summary of Al-Tamhid fi Ulum al-Qur'an, Qom: Al-Tamhid Institute. [In Arabic].
- Makarem Shirazi, Nasser(1389). Lesson outside the book of Hajj, Jurisprudence School. - <https://eshia.ir/feqh/archive/text/makarem/feqh/89/891211>. [In Arabic].
- MirBagheri, Seyyed Mohammad Mahdi(2013). Description of prayer to enter the Qur'an (Speech in the holy shrine of Imam Reza (a)). - <https://noo.rs/6zk1g>
- Naraghi, Ahmad(1415 A.H). Document al-Shia fi Ahkam al-Sharia, Qom: Al-Al-Bayt (AS) Foundation for Revival of Tradition. [In Arabic].



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی